

بازتاب فرهنگی جشن‌های ملی در اشعار شاعران سبک خراسانی (با تأکید بر اشعار رودکی، فرخی، منوچهری و فردوسی)

^۱ علی آل‌اسماعیلی دریاسری، ^{۲*} سیاوش مرادی، ^۳ لیدا نامدار

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، خدابنده.

^{۲*} استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، همدان.

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، خدابنده.

نویسنده مسئول: siavash.moradi@iauh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

چکیده

ارتباط بین شاعر و آداب و رسوم در هر جامعه بخش اعظمی از ادبیات را تشکیل می‌دهد. آیین‌ها و رسوم هر کشور سازنده عناصر فرهنگی جامعه به‌شمار می‌آیند و تنوع و تعدد این آیین‌ها گواهی بر غنای فرهنگی یک جامعه است و در این میان جشن‌های متنوع فرهنگ غنی ایران، در کنار عیدهای مذهبی به عنوان جزیی از فرهنگ، توجه ویژه‌ای را در آثار مکتوب به خود معطوف کرده‌اند که در هر دوره با آداب و مراسمی خاص برگزار می‌شده‌است. پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای در پی تبیین شأن و جایگاه فرهنگی جشن‌های ملی همچون نوروز، مهرگان، سده و بهمنجه در نزد ایرانیان با تأکید بر اشعار سبک خراسانی و بازتاب کمیت به‌کار بردن هر عید در دیوان هر شاعر می‌باشد. دستاورد این بررسی بر این نکته صحت گذاشت که اگرچه زمینه پژوهش بیشتر این شعرها در ستایش حکمرانان و بزرگان دربارها بود؛ اما آنچه مشهود بود بازتاب این جشن‌ها در اشعار شاعران و توجه به فرهنگ خاص ایرانی و نشانه‌های آن و اهتمام درباریان به حفظ و اشاعه آداب و رسوم فرهنگ ایران بود. از این‌رو می‌توان با مطالعه آثار شاعران با اندیشه حاکمان درباری و روحیه مردم هم‌عصر آن آشنا شد و به اهمیت و ارزش آنها در مقوله نظم فرهنگی و کارکرد مفیدی که در جهت نزدیکی اقوام ایرانی و همبستگی ملی ایجاد می‌نموده‌اند، پی برد.

کلیدواژه: فرهنگ، نوروز، مهرگان، سده، بهمنجه.

۱- مقدمه

انسان‌ها از دیرباز به مناسبت‌های مختلف، جشن‌هایی برپا کرده و به شادی و سرور می‌پرداختند از همین‌رو برگزاری جشن‌ها ۱ و اعیاد ۲ یکی از عناصر فرهنگی جوامع از دیرباز تا به امروز به‌شمار می‌رود. تمام ملت‌ها - و در همه سرزمین‌ها- روزهایی از سال را جشن می‌گیرند. پژوهش‌های مردم‌شناسی، جامعه و گروهی را سراغ ندارد که مردم روز یا روزهایی را به شادی، تفریح و جنب و جوش شادمانه نپردازند. مردمان ایران زمین با داشتن تمدنی غنی و فرهنگی برخاسته از این تمدن همواره برگزارکننده جشن‌ها، یادمان‌ها و اعیادی بودندند که از ویژگی‌های بارز فرهنگ این مرز و بوم و یکی از شاخصه‌های متمایزکننده فرهنگ ایرانی با سایر ملل و اقوام بوده‌است که بازتاب آنها در تصویرگری‌های برجای مانده در شعر شاعران محسوس و نمایان است؛ چرا که بهره‌مندی از «فرهنگ و ادبیات عامه» نقش مهمی را در تقویت بیشتر مبانی فکری و ذهنی شاعران در بیان ادبی ایفا می‌کند.

^۱ . واژه جشن، که به فارسی امروز به معنی آیین‌های شادمانی است، از واژه «یسن» / «یسنه» اوستایی و «یزیشن» پهلوی به معنی ستایش و پرستش است، و همچون بسیاری از آیین‌های ایران باستان رنگ دینی به خود گرفته‌است.

^۲ . «عید به معنی هر چه باز آید. هر روزی که در آن انجمن یا تذکار برای فضیلت یا حادثه بزرگی باشد، گویند از آن‌رو بدین نام خوانده شده که هر سال شادی نوینی باز آرد و اصل آن «عود» است» (لغت‌نامه دهخدا به نقل از اقرب الموارد، اندراج)

۱-۱- بیان مسأله

شاعران سبک خراسانی بویژه شاعرانی چون رودکی، فرخی، منوچهری و فردوسی بر اساس ایجاد رابطه بین تصویرهای ساخته ذهن خود از جهان پیرامون و برقرار کردن یک رابطه بینامتنی بین آن تصویرها و گزاره‌هایی چون برگزاری اعیاد ملی و دینی، بر آن بوده‌اند تا «دنیای درون خود را با پدیده‌های پیرامون پیوندزده و خواننده با ایجاد نسبت‌هایی بین کلام شعر و دنیای اطراف به رهیافتی هنری» (حکیم‌آذر، ۱۳۹۰: ۱۶۴) و تأثیر فرهنگ غالب در برهه زمانی که شاعران در آن می‌زیسته‌اند، نایل گردند. از سویی فرهنگ عامه یا فولکلور را مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و اعمال و رفتاری دانسته‌اند که در میان عامه مردم، سینه‌به‌سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود و از آنجا که گویندگان بزرگ ایران بر اساس رواج و اهمیت اعیاد بزرگی چون نوروز، مهرگان و سده در میان عموم مردم و توجه ویژه درباریان به آن اشاراتی به برگزاری آیینی و فرهنگی این جشن‌ها در ادبیات شاعرانه و دیوان‌های خود داشته‌اند، این پژوهش بر آن است به بازتاب مراسم و اعیاد ملی و فرهنگ آئینی در شعر شاعران سبک خراسانی و بویژه در شعر این چهار شاعر برجسته بپردازد.

۱-۲- سوالات تحقیق

- ۱- رویکرد شاعران سبک خراسانی نسبت به اعیاد مذهبی و جشن‌های ملی در آثار خود چگونه است؟
- ۲- آداب و رسوم و فرهنگ مردم تا چه حدی در شعر شاعران سبک خراسانی منعکس شده‌است؟

۱-۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- اعیاد مذهبی و جشن‌های ملی چون: نوروز، مهرگان، سده و بهمنجه در شعر شاعران سبک خراسانی تأثیر مستقیم دارد.
- ۲- گستردگی و ماهیت فرهنگی مردم ایران بخش قابل توجهی از آثار شاعران قرن چهارم و پنجم را در خود جای داده است.

۱-۴- اهمیت و ضرورت تحقیق

بر پایی جشن‌ها و عیدها نشان پویایی و شادابی یک جامعه است. در ایران پیش از اسلام جشن‌های فراوانی برگزار می‌شده‌است که تعداد آن را تا بیست و چهار جشن ذکر کرده‌اند. (صفا، ۱۳۶۶: ۱۲۰) پس از ورود اسلام به ایران نیز عیدهای اسلامی به جشن‌های ایرانی افزوده شده که با آداب و شکوه خاصی بر پا می‌شده‌است و در آثار منثور متعدّد، چون تاریخ بیهقی مطالب سودمندی را در این خصوص می‌توان یافت؛ اما این آیین‌ها و جشن‌ها در شعر فارسی با گستردگی بیشتری به نظم درآمده که با مطالعه آن‌ها می‌توان به چگونگی برپایی آیین جشن و سرور در دربارها و میان مردم پی برد. اگرچه غالب این شعرها در ستایش حکمرانان و بزرگان درباریان است؛ اما از لابه‌لای آن می‌توان نکات سودمندی یافت که بررسی و تحلیل آن، چگونگی برپایی و عوامل مؤثر در جشن‌ها را آشکار نموده، روحیات و سرور و شادی مردم در برهه زمانی را روشن نموده و راز ماندگاری یا ناپایداری آن را می‌نمایاند. از بازتاب این جشن‌ها و عیدها در شعر فارسی است که می‌توان با اندیشه حاکمان درباری و روحیه مردم هم‌عصر آن آشنا شد و به اهمیت و ارزش آن‌ها پی برد.

۱-۵- پیشینه تحقیق

درباره شاعران سبک خراسانی پژوهش‌های بسیاری از دیدگاه‌های مختلف به رشته تحریر درآمده؛ اما مطالعه در پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در رابطه با بهره‌گیری از آیین و سنن ملی در آثار شاعران این دوره، مقالات محدودی تحت عناوین: «نوروز، مهرگان، جشن سده، بهمنجه و اساطیر باستانی در شعر منوچهری» از فرهاد دروگریان (۱۳۸۳)، «شأن و جایگاه نوروز در نزد ایرانیان با تأکید بر شاهنامه» از عالمه عباس‌زاده‌کناری و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی جشن‌های تاریخی ایران با تکیه بر نوروز، مهرگان و سده» از الهام ولایتی (۱۳۹۶)، به رشته تحریر درآمده‌است؛ ولی درباره بازتاب اعیاد و جشن‌های ملی در شعر شاعران سبک خراسانی تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده‌است.

۱-۶- روش تحقیق

این پژوهش تلاش می‌کند به روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای با اشاره‌ای کوتاه به اهمیت اعیاد و جشن‌های ملی در ایران، به جایگاه، اهمیت و تأثیر آنها در شعر شاعران سبک خراسانی بپردازد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- فرهنگ و ادبیات

جشن‌های باستانی ایرانیان از دیرباز مورد توجه نویسندگان و شاعران بوده‌است. چگونگی برگزاری و آداب و رسوم مربوط به آنها از مسائلی است که در آثار نویسندگان و دیوان شعرا انعکاس یافته‌است. این جشن‌ها و آیین‌ها، باور و عقاید ایرانیان کهن را بازتاب می‌دهد، جشن‌هایی که برگرفته و یادآور رویدادهای فرخنده می‌باشد و هریک دارای ریشه‌های داستانی و افسانه‌ای هستند. با بررسی بازتاب جشن‌ها و عیدها در شعر شاعران مشهور دوره سامانیان تا حمله مغول می‌توان چگونگی برگزاری و میزان استقبال از این جشن‌ها را بررسی و تحلیل کرد. در یک نگاه سطحی و گذرا در دیوان شاعران مشهور این عصر آنچه مشهود است ذکر نام جشن‌های ایرانی نسبت به عیدهای اسلامی است. به‌طور مثال در شاهنامه فردوسی نامی از عیدهای فطر و قربان نیست؛ اما از مهرگان، نوروز، سده و دیگر جشن‌های ایرانی به دفعات نام برده شده‌است که مهمترین و اساسی‌ترین دلیل آن را می‌توان پرداختن فردوسی به اسطوره‌ها و حماسه‌های پیش از اسلام دانست و اینکه به‌طور کلی او به مسائل بعد از اسلام نپرداخته‌است؛ یا اینکه نظامی از جشن‌های ایرانی هفده بار نام برده، در حالی که از عیدهای اسلامی فقط پنج بار یاد کرده‌است که آن نیز به دلیل پرداختن وی به نقل داستان‌های عمدتاً مربوط به قبل از اسلام است. حتی در دیوان شاعر بزرگی چون ناصر خسرو که شعر خویش را در راه بیان اندیشه‌های مذهبی و دینی خویش به کار گرفته‌است، ذکر جشن‌های ایرانی بیش از عیدهای اسلامی است؛ اما آنچه مشهود است وی از ذکر این ایام برای بزرگداشت یا ستایش حاکمان استفاده نکرده؛ بلکه آن را در راه تنبیه دیگران به کار برده‌است؛ چنان‌که می‌گوید:

شصت بار آمد نوروز مرا مهمان
جز همان نیست اگر ششصد بار آید
(ناصرخسرو، ۱۳۵۷: ۱۶۱)

که حکیم ضمن اشاره به سن و سال خویش، در تعریضی به عید نوروز، این جشن طرب و شادی، انتقادی ظریف از بی‌وفایی روزگار و حاکمان مسندنشین آن عهد و روزگار را بیان می‌دارد.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- عید نوروز، پیدایش و وجه تسمیه آن

در میان اعیاد ایرانی می‌توان اذعان داشت آنکه بیشتر مورد اقبال و توجه عام بوه، چنانکه امروز نیز دارد، نوروز است. (ر.ک: کریستن سن، ۱۳۸۵: ۱۲۵) نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های بر جا مانده از دوران باستان و یکی از آیین‌های برجسته در زمینه فرهنگ مشترک و عاملی برای همگرایی فرهنگی میان اقوام مختلف ایران، بزرگترین جشن ملی ایرانیان است که سابقه‌ای هزاران ساله دارد، نوروز جشنی است که از گذشته‌های دور در فلات ایران برگزار می‌شده و از عصری به عصر دیگر انتقال یافته و ایرانیان تا به امروز همچنان پیوند عمیق خود را با آن حفظ کرده‌اند.

نوروز، در معانی روز نو و روز تازه و عید، به معنای بازگشتن در مناسبات ملی و دینی برای بزرگداشت سالگردها و یاد بوده است. معادل آن در زبان فارسی جشن است که به معنی ستایش و نیایش می‌باشد. نوروز، جشن آغاز سال پارسی است که در اولین روز ماه فروردین هر سال شمسی برگزار می‌شود. نوروز، ترکیبی فارسی است و از دو کلمه «نو» و «روز» تشکیل شده و همان‌طور که در زبان پهلوی مرسوم بوده صفت بر موصوف مقدم گشته‌است (ر.ک: بیرونی، ۱۳۷۷: ۲۵۳). نوروز عمری چهار هزار ساله دارد «و از دید باورشناسی باستانی، جشن بازگشت به آغاز است.» (کزازی، ۱۳۸۲: ۲۰۰) مورخان تاریخ دقیقی از پیدایش نوروز ارائه نداده‌اند برخی بر این باورند که آثاری از جشن «گموک» بابلیان در نوروز وجود دارد و طبق مستندات خویش، شروع آن را در اواسط هزاره دوم و به‌صورت دقیق‌تر حوالی قرن سیزدهم یا چهاردهم پیش از میلاد می‌دانند (ر.ک: کریستن سن، ۱۳۸۵: ۱۲۶). در تعریف و وجه تسمیه نوروز آمده: «نخستین روز از فروردین ماه بدین جهت نوروز نام گرفته که آغاز سال نوست و تا پنج روز پس از آن جشن‌ها برپا می‌کردند و روز ششم فروردین را نوروز بزرگ یا «جشن بزرگ و یا نوروز ملک» گویند؛ زیرا که خسروان در آن پنج روز به حقوق اطرافیان و مردم و نیز بزرگان رسیدگی می‌کردند و روز ششم جهت ملاقات خاستان و نزدیکان خلوت می‌کردند» (بیرونی، ۱۳۷۷: ۲۵۳).

ایرانیان معتقد بودند که در این روز خداوند از آفرینش جهان آسود و مشتری را بیافرید؛ زردشت با خداوند توفیق مناجات یافت و کیخسرو بر آسمان عروج کرد. هم‌چنین، در سبب پیدایش نوروز آورده‌اند که دیوان به فرمان جمشید تختی بساختند و آن را بر دوش گرفتند و از دماوند به بابل بردند. مردم از دیدن او، که چون خورشید بر تخت خود می‌درخشید، به حیرت افتادند و پنداشتند که او خورشید است و به یک روز دو خورشید در آسمان پیدا شده. این امر در روز اهرمزد (نخستین روز) از ماه فروردین بود و از این‌رو، مردم بر گرد تخت او جمع شدند و همگان گفتند: این روز نو است و جم فرمان داد که این روز و پنج روز پس از آن را جشن گرفتند. (ر.ک: بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۲۹-۳۲۵)

۲-۳- سنت‌های نوروز

عید نوروز «آن چنان جایگاه استواری در جامعه ایرانی داشته که تحولات سهمگینی که طی قرون بر این سرزمین گذشته و طوفان‌های بلا که بر سر این ملت باریده، نتوانسته است رخنه در بنیان آن بیندازد» (ریاحی، ۱۳۷۹: ۴۷). از این‌روست که همه‌ساله این عید با مراسم خاصی در ایران قدیم برگزار می‌شده که دنباله آن تا امروز نیز باقی است. در برگزاری جشن و سور نوروز تجلی برخی از عناصر مقدس دیرینه و طبیعی ایرانیان چون آب و آتش مشاهده می‌شود (ر.ک: پیرنیا، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۷۰). از سنت‌ها و ویژگی‌های این ایام آن بوده که «هر پادشاهی در این روز فرخنده رعیت ممالک خویش را قرین شادی و خرمی می‌کرد و در این عید کسانی که کار می‌کرده‌اند، دست از کار کشیده، به استراحت و شادمانی می‌پرداخته‌اند» (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۵). «در این روز مالیات‌های وصول شده را به حضور شاه عرضه می‌داشتند و شاه به عزل و نصب حکام می‌پرداخت و نیز در نوروز سکه نو می‌زدند و آتشکده‌ها را پاک و طاهر می‌کردند» (جاحظ، ۱۳۳۲: ۱۴۶). پارسیان هم‌چون گذشتگان خود در این روز جهت استقبال از این جشن، خانه را تمیز می‌کنند و اتاق برگزاری مراسم را می‌آرایند و بر روی میزی کوزه آب و گلدان گل و ظرفی از آتش می‌گذارند و آتش را با چوب صندل و سایر چوب‌های خوشبو تقویت می‌کنند. مردمان در ایران باستان «در روز اول نوروز صبح بسیار زود از خواب برخاسته، به کنار نهرها و قنات‌ها رفته، شستشو می‌کردند و به یکدیگر آب می‌پاشیدند و شیرینی تعارف می‌کردند. صبح پیش از آن که کلامی ادا کنند، شکر می‌خوردند یا سه مرتبه غسل می‌لیسیدند و برای حفظ بدن از ناخوشی‌ها و بدبختی‌ها روغن به تن می‌مالیدند و خود را با سه قطعه موم دود می‌دادند» (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۶). عمده محققان در علت پاشیدن آب در صبح نوروز به علی چون «اغتسال، تبرک جستن به آب، زدودن کثافات آتش و دود (به‌ویژه کثافات آتش‌بازی شب پیش از نوروز) اشاره می‌کنند» (بیرونی، ۱۳۷۷، ۲۸۵). «عید نوروز شش روز متوالی دوام داشت و در این شش روز سلاطین بار عام می‌دادند و نجای بزرگ و اعضای خاندان خود را به ترتیب منظم می‌پذیرفتند و به حضار عیدی می‌دادند. روز ششم عید را سلاطین برای خود و محرمان درگاه جشن می‌گرفتند در واقع در روز اول و روز ششم نوروز همه قسم مراسم رایج و متداول ملی اجرا می‌شده‌است» (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۶). فرارسیدن نوروز برپایی موسیقی و ترانه و شعرسرایي در پیشگاه شاهان را نیز به همراه داشت، غناها و آوازهایی که خوانده می‌شد، متنوع بوده (رضی، ۱۳۹۲: ۱۰۵) و در دستگاه‌های مختلف موسیقی اجرا می‌شده است.

۳-۳- بازتاب نوروز در دیوان‌ها

عید نوروز نماد جشن‌های ایرانیان از روزگاران کهن تا عصر حاضر است. شاعری که به جشن نوروز اشاره می‌کند به یک عنصر فرهنگی مهم تاریخ ایران باور دارد و ایرانی بودن و هویت خود را با آن به نمایش می‌گذارد. رودکی به‌عنوان پدر شعر فارسی از غزل‌سرایان و بربط نوازان بی‌مانند زبان پارسی که نازک‌خیالی و خنیاگری در اشعار وی موج می‌زند و ابر سرایندگی‌اش در زمین نوروزی فراوان باریده و صور خیالش مملو از طبیعت و عناصر طبیعی است، چندین بار در وصف نوروز و بهار دریچه سخن گشوده و شکوه و عظمت یادگار ایرانیان باستان را این‌گونه به تصویر کشیده است:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب	با صد هزار نزهت و آرایش عجیب
شاید که مرد پیر بدین‌گه شود جوان	گیتی بدیل یافت شباب از پی مشیب
	(رودکی، ۱۳۷۶: ۱۸۲ و ۹۳)

از سویی جشن نوروز که از اعیاد مخصوص ایرانیان است در عصر ساسانیان بسیار با شکوه برگزار می‌شده است. در بامداد نوروز شاهنشاه جامه‌ای که معمولاً از برد یمانی بود، بر تن می‌کرد و زینت بر خود می‌بست و به تنهایی در دربار حاضر می‌شد و شخصی که قدم او را به فال نیک می‌گرفتند، بر شاه داخل می‌شد جشن نوروز فقط در روز اول فروردین ماه بر پا نمی‌شد؛ بلکه چند روز دوام می‌یافت. از جمله قدیمی‌ترین شعرها در خصوص نوروز شعری از فردوسی است و در آن از آغاز حکومت جمشید پادشاه ایرانی می‌گوید که چگونه حکومتش را تشکیل داد و اینکه چه شد که آن روز به نام نوروز نامگذاری شده‌است.

چو خورشید تابان میان هوا	نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر آن تخت او	شگفتی فررومانده از بخت او
به جمشید بر گوهر افشانند	مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فرودین	بر آسوده از رنج روی زمین
بزرگان به شادی بیاراستند	می و جام و رامشگران خواستند

چنین روز فرخ از آن روزگار
به ما ماند از آن خسروان یادگار
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۳)

فردوسی که بی‌شک مواد شاهنامه خود را با واسطه از خدای نامک و دیگر کتب و رسائل پهلوی اتخاذ کرده، درباره پادشاهی جمشید گوید:

به فر کیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر شناخت
که چون خواستی دیو برداشتی
ز هامون به گردون برافراشتی
(همان، ۱۳)

رودکی نیز به‌طور قطع از این داستان‌ها با خبر بوده که در اشعار خود به این اسم ایرانیان باستان پرداخته‌است. جشنی که در جهان به نام ایرانیان ثبت و ضبط شده و اگر میان ملت‌های دیگر نیز رسم و رایج است، مسلماً از ایرانیان اخذ گردیده‌است.

چون سپرم نه میان بزم به نوروز
در مه بهمن بتاز و جان عدو سوز
باز تو بی رنج باش و جان تو خرم
با نی و با رود و با نیبذ فنا روز
(رودکی، ۱۳۷۶: ۱۸۲ و ۹۳)

۴-۳- نوروز و فرخی سیستانی

یکی از آداب و رسومی که در دیوان فرخی سیستانی از آن یاد شده‌است آداب مربوط به عید نوروز می‌باشد این عید در روزگار فرخی در دربار غزنه باشکوه تمام برگزار می‌شده است و شامل مراسم مختلفی بوده است که فرخی، شاعر و نوازنده ساز عشق، در وصف نوروز این‌گونه درجعه سخن می‌گشاید:

خجسته بادش نوروز و همچنان همه روز
به شادکامی، بر کف گرفته جام عفار
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۱۳۸)

ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی
(همان، ۴۰۳)

آنچه که بیش از پیش عیان است تجلی این جشن و اعتبار آن در دربار غزنویان و انعکاس آن در دیوان فرخی به عنوان شاعری درباری است. آن‌گونه که از فحوای اشعار استنباط می‌شود، برپایی جشن‌های از این دست در میان عموم مردم مرسوم بوده و تعظیم این اعیاد و تهنیت‌گویی و ایجاد سرور و شادی با هدف دریافت صلح و خلعت در دربار ایران رایج بوده که ذکر نام این اعیاد و سنت‌های آن در لابه‌لای سروده‌ها، خود گواهی بر این مدعاست.

۴-۳-۱- فرهنگ بار عام دادن در نوروز

در گذشته کوشش می‌شد که برگزاری مراسمی چون تاج‌گذاری، تفویض مقامات و مناصب به رجال، اعلام ولایت عهدی، ازدواج‌ها و... در جشن‌هایی مانند نوروز یا مهرگان انجام گیرد (رضی، ۱۳۹۲، ۳۵۹). جاحظ با شرح بار عام شاهان ایرانی در عید نوروز این چنین می‌گوید: «از عادات و اخلاق پادشاه یکی این است که یک روز در مهرگان و یک روز در نوروز بار عام دهد و در این دو روز هیچ کس را از خرد و بزرگ و دانا و نادان و پست و شریف از باریافتن باز ندارد و عادت هر یک از پادشاهان بر این بود که چند روز پیش از بار عام فرمان می‌داد تا منادیان و جارچیان مردم را آگاه سازند و برای آن روز آماده شوند، پس هر کس عرض داشت آماده می‌شد یکی نامه آماده می‌نمود و یکی دلیل و برهان بر مظلومیت خود تهیه می‌کرد و آن دیگری چون آگاه می‌شد که طرف دعوی به شاه شکایت خواهد برد با او کنار می‌آمد و آشتی می‌کرد. پس در آن روز شاه موبد را فرمان می‌داد مردان مورد اعتمادی از همراهان خود را مامور کند که بر در سرای شاهی که برای ورود افراد ملت باز است بایستند تا هیچ کس از باریافتن به حضور شاه بازداشته نشود و منادی از طرف شاه بانگ می‌زد: هر کس شخصی را از تظلم شاه باز دارد نسبت به خدا و آیین کشور و رسم پادشاهی نافرمانی کرده و هر کس نسبت به خدا نافرمانی کند خدا و شاه دشمن اویند و با او در جنگ می‌باشند (کریمیان سردشتی، ۱۳۷۹: ۷۰-۶۹).

بار عام دادن در عید از که از رسوم شاهی به‌شمار می‌رفته، فرخی را بر آن داشته تا در قصیده‌ای در مدح خواجه ابوبکر حصیری ندیم سلطان محمود به آن اشاره نماید:

عید نوروز بنده دیدن توسنت
عید نوروز بر تو فرخ باد
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۴۵)

۲-۴-۳- آرایش و جامه نو به تن کردن

سنت جامه نو به تن کردن و استفاده کردن از عطر و غالیه و آرایش کردن در عید نوروز نیز از رسومی بوده که در دیوان فرخی به آن اشاره شده است. پوشیدن جامه نو در هر جشنی در ایران امری بدیهی بوده است، حتی کسانی که درآمد کافی برای نو نواری مداوم نداشته‌اند هم جامه‌ای را برای مناسبت‌های جشن و شادمانی کنار می‌گذاشتند. پوشیدن جامه پاکیزه، نو یا مناسب برای جشن، نمایشی از توجه و احترام به دیگران نیز بوده است. در نوروز بسیاری از خانواده‌ها اگر توان مالی آن‌را نداشته‌اند که بزرگسالان را به جامه نو بیاریند می‌کوشیده‌اند تا کودکان را نونوار کنند. فرخی نیز در تغزل قصیده‌ای به این رسم یعنی پوشیدن لباس نو به مناسبت عید اشاره کرده است:

عید خوبان سرای آمد و خورشید سپاه
جامه عید بپوشید و بیاراست پگاه
زلف را شانه زد و حلقه و بندش بگشاد
دامنی مشک فرو ریخت از آن زلف سیاه
(همان، ۳۵۳)

۳-۴-۳- شعر خوانی در حضور شاه و تهنیت عید نوروز

با توجه به این‌که فرخی شاعر دربار غزنوی بوده و به‌عنوان شاعری مداح فعالیت می‌کرده است به‌طور طبیعی به مناسبت جشن‌ها و اعیاد مختلف مدایحی را به شاهان و درباریان هدیه کرده و به مدح و ستایش ممدوحان می‌پرداخت که مدح فخرالدوله ابوالمظفر احمد بن محمد والی چغانیان و مقارن با فصل بهار از قصاید فرخی در این زمینه به‌شمار می‌رود و «به‌طور کل چون این قصاید موجبی برای گرفتن پاداش و تقرّب به دربار بود، اغلب شاعران و گویندگان به این کار تمایل داشتند» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۴۰۶ - ۴۰۵).

فصل بهار تازه و نوروز دل فریب
هر ساعتی سرشک گلاب از هوا چکد
تاج درخت باغ همه لعل‌گون گهر
فرش زمین راغ همه سبز پرنیان
صلصل چو بیدلان جهان گشته با خروش
بلبل چو عاشقان غمین گشته بافغان
فرخنده باد بر ملک این روزگار عید
وین فصل فر خجسته و نوروز دلستان
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۳۳۱)

۵-۳- نوروز و منوچهری دامغانی

نیمه اول قرن پنجم را بایستی عصر منوچهری دانست شاعر برجسته‌ای که به لحاظ گسترش دامنه تصاویر شعری بر جای مانده از وی، سرشارترین دوره شعر فارسی به‌شمار می‌رود. از آن‌جا که این دوره را باید دوره طبیعت و تصاویر طبیعت در شعر فارسی دانست، منوچهری بهترین نماینده این دوره از نظر تصاویر شعری به‌شمار می‌رود؛ زیرا از نظر توفیق در انعکاس مجموعه وسیعی از تصاویر گوناگون با رنگ‌ها و خصایص ویژه، توانسته است شاعر ممتاز این دوره و روی هم رفته در حوزه تصاویر حسی و مادی طبیعت، بزرگترین شاعر در طول تاریخ ادب فارسی به‌شمار آید. تصاویر شعری او از طبیعت ارزنده‌ترین وصف‌ها را داراست چرا که بیان مادی و حسی او از طبیعت چنان قوی است که گویی آینه‌ای فرا روی اشیاء داشته و از هر کدام تصویری در این آینه - که روشن و بیکران است - به‌وجود آورد. او شاعری جوان است و لازمه جوانی، شور و هیجان، شادی و نشاط و حیات و سرزندگی است و بدین‌گونه طبیعت بی‌جان را از حیات انسانی برخوردار می‌کند، رمز و راز طبیعت را در مدح بزرگان و ممدوحان خود می‌گشاید و برای این منظور از اعیاد باستانی چون نوروز، مهرگان، سده و بهمن‌جبه استفاده می‌کند. منوچهری به دلیل اهمیت جشن نوروز در آداب و فرهنگ ایرانیان، توجه ویژه‌ای به آن داشته است. در جای‌جای اشعار منوچهری می‌توانیم نمونه‌های فراوانی از کاربرد واژه نوروز و آداب آن را بیابیم. منوچهری با به‌کار بردن ۲۵ بار واژه «نوروز»، ۱۰ بار واژه «مهرگان»، ۴ بار واژگان «سده» و «بهمن‌جبه» در قصیده‌ها، قطعه‌ها و مسمط‌های خویش، روح ایرانی، حساس و هنرمند یک شاعر جوان را در برخورد با زیبایی‌ها و تازگی‌های طبیعت و فر و شکوه باورها و اندیشه‌های باستانی ایرانیان به نمایش می‌گذارد و با گشودن دریچه‌هایی هر چند کوچک به جهانی ناپیدا از گنجینه‌های نهفته و میراث معنوی گذشتگان، خواننده را برای رسیدن به سرچشمه‌های معنویت به تفکر و تأمل وامی‌دارد (دردگریبان، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

آمده نوروز ماه با گل سوری به هم
زلف بنفشه بیوی، لعل خجسته ببوس
باده سوری بگیر، بر گل سوری به چم
دست چغانه بگیر، پیش چمانه به خم

وز دو کف سادگان، ساتگنی کش بدم
زانکه شد از رنگ و بوی باغ بسان صنم
باد فرو بیخت مشک، ابر فرو ریخت نم
(منوچهری دامغانی، ۱۳۷۰: ۵۹)

ای پسر از نرد باز داو گران تر ببر
ای صنم ماهروی! خیز به باغ اندر آی
شاخ برانگیخت در، خاک برانگیخت نقش

منوچهری چکامه‌سرای شگفت‌انگیز، استعاره‌پرداز ژرف‌نگر و طرب‌ساز شادمانی که زبان او سرشار از رنگارنگی طبیعت و نغمه‌پردازی مرغان خوش‌الهان بهاری است، بیش‌تر از همه شاعران در وصف نوروز و بهار سخن زده است. او با رابطه عاشقانه‌ای که با طبیعت دارد، از نوروز و بهار در شعر خود فراوان بهره برده است. منوچهری به دلیل اهمیت جشن نوروز در آداب و فرهنگ ایرانیان، توجه ویژه‌ای به آن داشته‌است. در جای‌جای اشعار منوچهری می‌توانیم نمونه‌های فراوانی از کاربرد واژه نوروز و آداب آن را بیابیم.

در وصف بهار و مدح ابوالحسن

پار و پیرار همیدیدم. اندوهگنا
(همان: ۲)

سال امسالین نوروز طربناکترست

در وصف نوروز و مدح خواجه أحمد بن عبدالصمد

روز طواف ساقی خورشید خدّ بود
(همان: ۲۶)

نوروز روز خرمی بی عدد بود

در وصف بهار و مدح خواجه طاهر

تا به سحرش دیده هر گلبنی ناظر شود
(همان: ۲۳)

باد نوروزی همی در بوستان ظاهر شود

در مدح سلطان مسعود غزنوی

کرده ست رای تاختن و قصد کارزار
آری سفر کنند ملوک نامدار
نوروز مه بماند قریب مهی چهار
از فر و زینت تو که در پیرار بود و پار
کز جان دی برآرم تا چند گه دمار
(همان: ۳۰-۳۱)

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
نوروز ازین وطن، سفری کرد چون ملک
چون دید ماهیان زمستان که در سفر
نوروز را بگفت که در خاندان ملک
نوروز ماه گفت: به جان و سر امیر

در تهنیت نوروز و مدح خواجه ابوالقاسم کثیر

با طالع مبارک و با کوکب منیر
(همان: ۳۴)

نوروز فرخ آمد و نغز آمد و هژیبر

در وصف بهار و مدح شهریار

سوی باغ آی که آمد گه نوروز فراز
(همان: ۴۰)

ای بلند اختر نام آور تا چند به کاخ

در مدح خواجه احمد بن عبدالصمد

کامکارا کار گیتی تازه از سر گیر باز
(همان: ۴۳)

آمدت نوروز و آمد جشن نوروزی فراز

در مدح خواجه ابوالعباس

نه از گروه کرامست و نز عداد آناس
چو کارنامه مانی در آبگون قرطاس
(همان: ۴۵)

نبید خور که به نوروز هر که می نخورد
نگاه کن به نوروز چون شده ست جهان

در مدح خواجه ابوسهل زوزن

پوشیده ابر دشت به دیبای ارمنی
(همان: ۱۲۸)

نوروز روزگار نشاطست و ایمنی

منوچهری، باده و شراب، رقص و سماع و موسیقی و سرود را نشانه‌های شادمانی نوروزی می‌داند و از مطربان می‌خواهد که باده بگیرند و بزم سماع و ساز زندگی را به نوا در بیاورند؛ برقصند، بنوشانند و شادمانی کنند. در وصف نوروز و مدح خواجه ابوالحسن بن حسن می‌گوید:
آمد نوروز ماه، می‌خور و می‌ده پگاه
هر روز تا شامگاه، هر شب تا بامداد
(همان: ۱۹)

۳-۶- جشن مهرگان و وجه تسمیه آن

مهرگان یا جشن مهر، یکی از جشن‌های ایران بوده که با اعتدال پاییزی پیوند داشته و در روزهای آغازین فصل پاییز برگزار می‌شده است. «روز شانزدهم مهر ماه شمسی است که منسوب است به نام مهر، یکی از فرشتگان آیین زردشتی و مظهر پیمان و محبت و خورشید. ایرانیان روز مهر از ماه مهر، جشنی تحت عنوان مهرگان برپا می‌کردند که پس از نوروز، بزرگترین جشن به شمار می‌رفته است» (باحقی، ۱۳۸۶: ۷۹۲). که از روز شانزدهم (مهرروز) تا بیست و یکم مهرماه، به مدت پنج روز، طی مراسم خاصی برگزار می‌شده است. روز شانزدهم معروف به مهرگان کوچک، مخصوص به ایزد فروغ یعنی مهر است و روز بیست و یکم (رام روز) به مهرگان بزرگ معروف بوده است (شیخ الاسلامی، ۱۴۰۰). «در دوران‌های اولیّه تمدنی، مردم دو فصل را مورد نظر قرار داده بودند: یکی بهار و دیگری پاییز؛ این دو فصل در ساز و کارهای زندگی انسان‌ها موثرترین فصل‌ها بوده است و به تدریج برای اولی «نوروز» و برای دومی عید «مهرگان» ترتیب یافته و شکل گرفت» (بیانی، ۱۳۸۳: ۹۱).

از نکات قابل ذکر آن است که «در عهد قدیم پیش از ساسانیان، سال از مهر ماه شروع می‌شده و عید مهرگان که جشن پاییزی است، در آن اوقات اول سال به‌شمار می‌رفته است» (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۴). علت نام‌گذاری این جشن به مهرگان، انتساب این جشن به مهر یا میترا، ایزد بزرگ آریایی است و از آن‌جا که در دوران هخامنشیان این اله از اعتبار والایی برخوردار بوده، در این روز باشکوه‌ترین جشن‌ها برگزار می‌شده است. این جشن را در قدیم «متراکانا» می‌گفتند و بعدها به نام مهرگان خوانده شد (رضایی، ۱۳۸۵: ۸۵). در ایران قدیم، شادی و پیروزی موهبتی خدایی بود. از این‌رو، هرگاه مردم در امر بزرگی پیروز می‌شدند و به‌خصوص وقتی ستمگری را از خود می‌رانند و عدالت را مستقر می‌کردند، به یادگار آن فتح و رهایی از بیداد، جشنی بزرگ برپا می‌کردند. بنابراین، این جشن را می‌توان جشن باز یافتن آزادی و رهایی از ستم بیگانگان یا جشن پیروزی نیکی بر بدی دانست مهرگان و نوروز دو جشن عمده ایران بود (ر.ک: بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۹-۲۵۵).

۳-۷- رسم‌های مهرگانی

مهرگان نیز همانند نوروز مراسمی داشته است. در این روز مردم برای یکدیگر هدیه می‌فرستادند. در برهان قاطع دربارهٔ رسوم ایرانیان در جشن مهرگان چنین آورده شده: «و روغن با که آن درختی است و میوه آن را حبالبان گویند به جهت تیمن و تبرک بر بدن مالیدندی و اول کسی که در این روز نزد پادشاهان عجم آمدی، موبدان و دانشمندان بودندی و هفت خوان از میوه همچون شکر و ترنج و سیب و بهی و انار و عناب و انگور سفید و کنار، با خود آوردندی، چه عقیدهٔ فارسیان آن است که در این روز هر که از هفت میوه ماکور بخورد و روغن بان بر بدن بمالد و گلاب بیاشامد و بر خود و دوستان خود بپاشد، در آن سال از آفات و بلیات محفوظ باشد و نیک است در این ایام نام بر فرزند نهادن و کودک از شیر باز کردن» (برهان، ۱۳۶۲: ۵۵۷-۵۵۶).

ز زیتون و جو و ز هر میوه دار
که در مهرگان شاخ بودی ببار

به نوشته جاحظ (۱۳۳۲: ۱۸۱-۱۹۴)، ایرانیان را رسم بر این بود که در این جشن‌ها، «هر یک از بزرگان برای شاهنشاه متناسب با توانایی خود هدیه می‌بردند. در این روز، زردشتیان لباس نو می‌پوشیدند و سفرهٔ رنگارنگ می‌گسترند. کتاب اوستا و آینه و سرمه‌دان و شراب و گلاب، به‌ویژه، انار روی آن می‌چیدند. اگر نوزادی در این روز متولد می‌شد، اسم او را به‌گونه‌ای انتخاب می‌کردند که واژهٔ مهره در آن باشد» (باحقی، ۱۳۸۶: ۴۰۸). در این روز «پادشاهان ایران تاجی بر سر می‌نهادند که صورت آفتاب در میان چرخه گردان بر آن منقوش بود» (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

تاج بر سر نهادن پادشاهان در این روز و این جشن خوش‌یمن بوده، چنان‌چه در چند جای از شاهنامه به این رسم در جشن مهرگان و در ماه مهر اشاره شده است؛ فردوسی از این کار فریدون به نیکی یاد کرده و چنین می‌سراید:

به روز خجسته سر مهرماه
به سر بر نهادن کیانی کلاه
اگر یادگارست از او ماه مهر
بکوش و به رنج ایچ منمای چهر
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۳۱)

سر ماه نو هرگز مهرماه

بر آن تخت فرخنده بگـزید راه

(همان، ۱۰۰)

اما جدا از این عیش و نوش‌ها و میوه‌گیری‌ها، مهم‌ترین رسم مهرگانی، رقص مخصوص آن «ارغشت» بوده است. ارغشت، نوعی رقص شبیه اتن است، که بر گرد آتش و در هماهنگی با شعله‌های آتش انجام می‌شده است. نوشیدنی مخصوص مهرگان، از عصاره گیاه «هئومه/ هوم» که با آب یا شیر رقیق شده بود، فراهم می‌شد و همه شرکت‌کنندگان، به احترام عهد مهربانی و محبت و یکدلی از آن می‌نوشیدند و بالاخره، نان مخصوص مهرگان که از آمیختن آرد هفت نوع غله گوناگون تهیه می‌گردید. غله‌ها و حبوباتی مانند گندم، جو، برنج، نخود، عدس، ماش و ارزن، تهیه می‌شده است.

۸-۳- تشریفات برپایی جشن مهرگان

در این روز گیاهان خوشبویی همچون اسپند، عود، زعفران و عنبر در آتشدان‌ها می‌ریختند و هم‌چنین گیاهانی چون هوم که باعث شعله‌ور گشتن آتش می‌شد. در پایان مراسم، حضار در اطراف آتش با فشردن دست‌های هم‌دیگر بر پایبندی بر عهد و پیمان‌های گذشته تأکید می‌کردند (مرادی‌غیاث‌آبادی، ۱۳۸۳). فرخی نیز به برخی از تشریفات برپایی جشن مهرگان در دوره غزنوی اشاره کرده است که شاهد مثال آن ابیاتی است که در مدح امیر محمدبن محمود غزنوی سروده است:

آیین همه چیز تو داری و تو دانی	آیین مه مهر نگهدار و بمگذار
آن کن که بدین وقت همی کردی هر سال	خز پوش و به کاشانه رو وصفه و فرود آر
فرمای که پیش تو بسازند حصاری	از آهن و پولاد مر او را در و دیوار
آتش بدو اندر فکن و عود فرو ریز	تا عود بگویم که چه گفته است بیازار

(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۱۱۳)

۹-۳- مهرگان در شعر سبک خراسانی

اشاره به جشن‌ها در ادبیات ایران از دیر زمان رایج و مرسوم بوده است. اغلب شاعران جشن‌های ایرانیان را به‌عنوان یک عنصر فرهنگی در شعر خود منعکس کرده‌اند. رودکی شاعری است که در دوره سامانیان در آن فضای باز و آماده برای بیان حقایق و واقعیت‌های موجود در جامعه به جشن‌های ایرانیان در اشعار خود اشاره کرده است. گرچه تعداد این ابیات بسیار نیست؛ اما همین اندک گویای فکر و اندیشه شاعر و نگرش او به فرهنگ و تمدن ایرانیان از گذشته در عصر خویش است. اگر ده‌ها هزار اشعاری که رودکی سروده بود. به تاراج نمی‌رفت، یقیناً بیت‌های فراوانی در خصوص جشن و سرود و مجالس عیش و نوش به دست می‌آمد. افسوس که بسیاری از اشعار رودکی دستخوش حوادث روزگار گردید و در ابیاتی چنین گفته است:

ملکا جشن مهرگان آمد	جشن شاهان و خسروان آمد
خز به جای ملحم و خرگاه	بدل باغ و بوستان آمد

(رودکی، ۱۳۷۶: ۷۸)

این تنها شعری نیست که در تاریخ ادبیات پارسی، درباره مهرگان به یادگار مانده است، چرا که مردم روزگار باستانی این مرز و بوم جشن مهرگان را مهم‌تر از نوروز و سده می‌دانسته‌اند. چرا که مهر، جایگاهی مثالی و جادویی در مرکز ثقل فرهنگ حوزه نوروز دارد. تمام شاهنامه فردوسی، روایت اصول جوانمردی و نیک‌خواهی آیین مهر و پاس‌داری از این اصول است. رستم، به نام خدای مهر می‌جنگد و جنگ او با اسفندیار در تراژدی جاودانه فردوسی، حکایت تقابل دو آیین کهن زردشتی و میتراپی است. بعدها، آیین مهر از حالت مذهبی خارج شد و بخشی از فرهنگ زندگی شد. به این معنا که کسی هم می‌توانست مهری باشد هم مسیحی یا زردشتی و یا حتی مسلمان. بخصوص در روزگار سامانی تمام تلاش حکومت نوپیدا بلخیان سامانی، امتزاج این دو باور بوده است. برای همین، بسیاری از رسوم و آیین‌ها و حتی اسطوره‌های مهری - میتراپی، بازسازی شدند و نام و نشان مسلمانی گرفتند.

مهرگان آمد خداوندا به شادی بگذران	آفتاب عالمی بر جمله عالم بتاب
-----------------------------------	-------------------------------

(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۷۶)

۱۰-۳- شاهنامه و مهرگان

کهن‌ترین منبع پس از اسلام مربوط به دوران پیش از اسلام شاهنامه فردوسی است که در ضمن آن، شاعر درباره بر تخت نشستن فریدون در مهرگان ابیاتی را سروده است. این نکته می‌تواند یادآور این مطلب باشد که جشن مهرگان از هزاره‌های دور آنقدر نزد مردم اهمیت داشته که فریدون برای تاجگذاری خود این روز را برگزیده است. ابن بلخی نیز معتقد است که روزی را که فریدون برای شروع فرمانروایی خود برگزید جشن گرفته شد. به‌طور

کل از آنچه از منابع دوران اسلامی به‌خصوص دیوان شاعران می‌توان فهمید آن است که مهرگان به نام فریدون بوده و آن را جشن فریدون می‌خوانده‌اند که بدین ترتیب نوعی جنبه رسمی و حکومتی نیز بدان داده می‌شده است (بیانی، ۱۳۸۳: ۸۵).

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه و التفهیم این جشن را به پیروزی کاوه آهنگر و فریدون بر ضحاک نسبت می‌دهد و می‌گوید: سبب آن که ایرانیان این روز را بزرگ دانسته‌اند این است که کاوه آهنگر علیه ضحاک قیام کرد و مردم را به اطاعت از فریدون دعوت کرد مردم دور فریدون جمع شده، ضحاک را گرفتند و در کوه دماوند محبوس ساختند، پرچم کاوه را عزیز داشتند و آن را به جواهرات گوناگون و نفیس مزین ساختند (کازمی‌فرامرزی، ۱۳۷۷).

تن آسایمی و خوردن آیین اوست
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۳۱)

بدو تازه شد مهرگان و سده
(همان، ۸۷۴)

بر تو ای همچو فریدون ملک فرخ فال
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۲۲۱)

به عضد دولت آن بدیل فریدون
(همان، ۲۸۸)

بزم سازد به خزان و به بهار
بگذارد صد دیگر به شمار
(همان، ۱۴۱)

پرستیدن مهرگان دین اوست

بکرد اندر آن کوه آتشکده

فرخی نیز در ضمن چند بیت جشن مهرگان را به فریدون نسبت می‌دهد.

مهرگان جشن فریدون ملک فرخ باد

جشن فریدون خجسته باد و همایون

تا برآیین بزرگان عجم

همچنین مهر به شادی و طرب

۱-۳-۱- مهرگان و آمدن سیمرغ

از آن‌جا که سیمرغ، پرنده افسانه‌ای و اساطیری جایگاهی مهم در تاریخ این دوران داشته است می‌توان دریافت که مهرگان بقدری حائز اهمیت بوده که سیمرغ می‌بایست به یمن آن جشن بال بر سر ایران بگستراند؛ چرا که در تاریخ اساطیری ایران، سیمرغ تنها در مواقع خاص و استثنایی ظاهر می‌گشته است (بیانی، ۱۳۸۳: ۹۵). فرخی نیز در ضمن قصیده‌ای در مدح سلطان محمود غزنوی به این باور اساطیری یعنی تناسب مهرگان و ظاهر گشتن سیمرغ اشاره دارد:

تا کجا پر زند امسال و کجا دارد رای
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۳۶۶)

مهرگان آمد و سیمرغ بجنید از جای

۱-۳-۲- شعرخوانی در مهرگان

از دیگر رسوم برپایی جشن مهرگان که با شکوه هرچه تمام اجرا می‌شده تهنیت‌گویی شعرا به مناسبت فرارسیدن این عید در حضور پادشاه همراه با نواهای خوش ساز موسیقی‌دانان بوده است (رجبی، ۱۳۸۷). در این جشن شاعران، اشعار خود در وصف عید و شادباش گویی را در دربار و در حضور پادشاه می‌خواندند و صله و پاداش دریافت می‌کردند. فرخی مقارن با جشن مهرگان این چنین می‌سراید:

هزاران قصیده شنو مهرگانی
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۳۷۱)

جز این یک قصیده که از من شنیدی

خداوند را هر شب مهرگانی
(همان، ۳۸۳)

شب مهرگان بود و من مدح گویم

وز من امیر مدح نبوشد به مهرگان
(همان، ۲۹۶)

من زین خزان بشکرم کاین مهرگان اوست

۱-۳-۳- باده نوشی در مهرگان

یکی دیگر از کارهایی که در اعیاد و جشن‌ها و از آن جمله در جشن مهرگان انجام می‌گرفت نوشیدن می بوده است.

نو باوه‌یی بود می سوری ز دست یار
(همان، ۱۹۵)

عیدست و مهرگان و به عید و به مهرگان

۱۱-۳- مهرگان و منوچهری دامغانی

چنین بر می‌آید که در عهد مسعود غزنوی، جشن مهرگان معمول بوده و طی مراسمی برپا داشته می‌شده است.

شاد باشید که جشن مهرگان آمد
ببانگ و آوای درای کاروان آمد
مهرگان آمد، همان در بگشاییدش
اندر آرید و تواضع بنمایید
(منوچهری، ۱۳۷۰: ۱۹۷)

منوچهری از واژه مهرگان در اشعارش استفاده فراوان کرده است. به‌عنوان نمونه می‌توان ابیات زیر را برشمرد:

در مدح اسپهبد منوچهر بن قابوس

بر سماع جنگ او باید نبید خام خورد
می خوش آید خاصه اندر مهرگان بربانگ چنگ
خوش بود هر سماعی می، ولیکن مهرگان
بر سماع چنگ خوشتر باده روشن چو زنگ
مهرگان جشن فریدونست و او را حرمتست
آذری نو باید و می خوردنی بی آذرنگ
داد جشن مهرگان اسپهبد عادل دهد
آن کجا تنها به کشکنجیر^۳ بندازد زرنگ
ای رئیس مهربان، این مهرگان فرخ گذار
فر و فرمان فریدون را توکن فرهنگ و هنگ
(همان، ۵۲-۵۰)

در وصف جشن مهرگان و مدح ابوحرب بختیار

آمد خجسته مهرگان، جشن بزرگ خسروان
نارنج و نار و آقحوان^۴، آورد از هر ناحیه
(همان،

۹۱)

در تهنیت جشن مهرگان و مدح سلطان مسعود غزنوی

کاروان مهرگان از خزران آمد
یا ز اقصای بلاد چینستان آمد
نه ازین آمد، بالله نه ازان آمد
که ز فردوس برین و ز آسمان آمد
(همان، ۱۹۷)

۱۲-۳- جشن سده و وجه تسمیه آن

روز دهم بهمن، عید مشهور سده بوده است، که جشن خاص آتش است (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۸). سده منسوب به عدد سد (صد)، در اصل از واژه «سَدگ» پهلوی مایه گرفته و در عربی «سَدق» و «سَدق» شده است؛ و آن عبارت از جشنی است که در آبان روز از بهمن ماه (شامگاه دهم بهمن) با برافروختن آتش، طی مراسم مخصوصی انجام می‌گیرد. در وجه تسمیه سده، آرای مختلفی ذکر شده است، نقل است که از آن روز تا نوروز صد روز و شب است. در این روز تعداد فرزندان گیومرث به صد رسید. از این روز تا زمان گردآوری غله صد روز باقی است؛ زیرا در نواحی معتدل در حدود پنجاه روز بعد از نوروز می‌توان گندم و به‌ویژه جو به‌دست آورد. در تأیید این نظر باید گفت که در برخی از روستاها و شهرهای جنوب خراسان، هم‌زمان با آتش‌افروزی در شامگاه دهم بهمن و هنگام برگزاری جشن سده، اشعاری خوانده می‌شود که مصرع برگردان آن چنین است: «سده، سده، صد به غله، پنجه (=پنجاه) به نوروز» (بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۵۰).

باید دانست که در تقویم کهن ایرانی، سال را به دو بخش نامساوی تقسیم می‌کردند: فصل گرم، از اول فروردین تا پایان مهرماه؛ و فصل سرد، از اول آبان تا پایان اسفند. روز دهم بهمن، یعنی آبان روز، درست میانه زمستان است که در آن سرما به اوج خود می‌رسد. در این روز، درست صد روز از زمستان می‌گذرد. به عقیده ایرانیان در این روز، اهریمن بدکنش سرما را به شدت خود می‌رساند تا به آفریدگان اورمزد گزند برساند و نیروی اورمزدی در این روز آتش را برای مقابله با سرما می‌آفریند. بیرونی می‌گوید: «در این روز جهنم از زمستان به دنیا بیرون می‌آید. از این‌رو، آتش می‌افروزند تا شر آن برطرف گردد» (همان، ۵۰).

برخی داستان پیدایش سده را به اردشیر بابکان، برخی به هوشنگ پیشدادی و برخی دیگر به کیومرث نسبت داده‌اند؛ اما آنچه حایز اهمیت است این است که این جشن با آتش که نزد همه اقوام و به ویژه ایرانیان محترم بوده است، رابطه‌ای مخصوص دارد و منشأ آن به داستان پیدایش آتش و بنابر

^۳ - سوراخ کننده کوشک، نوعی منجنیق، آلتی که بدان قلعه براندازند و ویران کنند.

^۴ - شکوفهٔ ریحان و بابونه.

شاهنامه، به دوره هوشنگ پیشدادی باز می‌گردد. به این ترتیب که تا زمان هوشنگ آتش ناشناخته بود، روزی که برای شکار به صحرا رفته بود، ماری بر سر راه آنان پیدا شد و او سنگی به طرف آن پرتاب کرد؛ اما:

نشد مار کشته ولیکن ز راز
ازین طبع سنگ آتش آمد فراز
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۹)

از این اسطوره، دو عامل متضاد زندگی ایرانی روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. اهریمن، مار را که مظهر و هم‌ریشه مرگ است پدید آورد؛ و اهورا در برابر آن و برای مقابله با او، آتش را آفرید و به این ترتیب، آتش مقدس شد؛ و هوشنگ شاه به محض دیدن آن اورمزد را سپاس گفت:

که او را فروغی چنین هدیه داد
همین آتش آنگاه قبله نهاد
(همان، ۹)

و به شادی این نور، آتشی برافروختند و بر گرد آن به شادی و سرور پرداختند و نام آن را سده گذاشتند:

شب آمد بر افروخت آتش چو کوه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد
ز هوشنگ ماند این سده یادگار
همان شاه در گرد او با گروه
سده نام آن جشن فرخنده کرد
بی بود چون او دگر شهریار
(همان، ۹)

کتاب شرح بیست باب (به نقل از یاققی)، داستان دیگری در باب کیفیت پیدایش جشن سده نقل کرده؛ بدین بیان که بعد از آن که فریدون بر ضحاک ظفر یافت، خوالیگر ضحاک، ارمایل را عقوبت می‌کردند. او مدعی شد که قومی را از کشتن نجات داده و اکنون به کوه دماوند باشند. فریدون، با لشکر خود، سواره متوجه دماوند شد تا آن مردم را به شهر باز آورد؛ و چون شب در آمد و راه گم کردند، بفرمود تا آتش‌ها برافروختند و خلقی عظیم از آزادکردگان طبخ جمع آمدند و فریدون در آن شب شادی‌ها کرد و جشنی فرمود و ارمایل را به مغان کرد. ایرانیان، به یادگار این شادی، هر سال در آن شب آتش می‌افروختند. جشن سده، تا امروز، در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران و به‌ویژه، در میان زردشتیان برپا داشته می‌شود و به شهادت شعر فارسی، در اغلب دوره‌ها، مورد توجه پادشاهان نیز بوده‌است (یاققی، ۱۳۸۶: ۲۶۳). «این عید را گاهی به هوشنگ، اولتین پادشاه سلسله پیشدادی، و گاهی به بیوراسپ ظالم یا ذهاک (که فردوسی او را ضحاک می‌نامد) نسبت داده‌اند، که انسانی ازدهافش بود و به دست فریدون اسیر شد» (کریستن‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۹). بنابر روایت بیرونی، ایرانیان در شب سدک دود برمی‌انگیزند، تا دفع مضرات کند. افروختن و شعله‌ور گردانیدن آتش در این شب و راندن حیوانات وحشی و پرانیدن مرغان در میان شعله و نوشیدن شراب و تفریح نمودن در گرد آتش گویا، جزو رسوم پادشاهان بوده است (ر.ک: بیرونی، ۱۳۷۷: ۲۱۳-۱۴). با وجود اینکه فردوسی جشن سده را به زمان پادشاهی هوشنگ نسبت می‌دهد و ابوریحان بیرونی به فریدون؛ اما به‌طور کلی در هیچ‌یک از اسناد تاریخی به چگونگی شیوه جشن سده اشاره‌ای نشده است.

۱-۱۲-۳- آیین برگزاری جشن سده

در ایران باستان و در میان زرتشتیان ایران، این جشن نزدیک غروب آفتاب، با آتش‌افروزی آغاز می‌گردید و همگان به صحرا می‌رفتند و کوه‌هایی از بوته‌ها فراهم می‌ساختند و آنها را بر می‌افروختند و شادی و پایکوبی می‌کردند و معتقد بودند که این آتش بازمانده سرما را نابود می‌کند. و امروز هم با همان سنت کوه‌هایی از بوته و خارو همیزم در بیرون شهر فراهم شده، در حالی که موبدان لاله به دست اوستا زمزمه می‌کنند، بوته‌ها را روشن کرده و مردمی که در آنجا جمع شده‌اند نماز آتش نیایش خوانده می‌شود.

پس از سقوط ساسانیان و روی کار آمدن اعراب این سنت و برگزاری جشن‌های مربوط به سده رو به افول نهاد تا این که در زمان غزنویان این جشن دوباره رونق گرفت و عنصری شاعر نامدار ایران در یکی از جشن‌های سده در برابر امیر محمود غزنوی قصیده‌ای درباره سده خواند که آغاز آن این است:

ز افریدون و از جم یادگار است
سده جشن ملوک نامدار است

در این دوره مورخانی چون بیرونی، بیهقی، گردیزی، مسکویه و... از شیوه جشن سده در دوران پادشاهی غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان و آل زیار و تا دوران مغول بسیار نوشته‌اند؛ اما اخباری که در زمینه برگزاری جشن سده داده‌اند، مانند هر آگاهی دیگر مربوط به دربار پادشاهان و امیران است و از آیین‌های عامه مردم و شیوه برگزاری سده در میان آنان گزارشی باز نمانده است.

اخبار موجود از این دوره نشان‌گر آن است که جشن سده در آن زمان با شکوه تمام برگزار می‌شده و حتی شاعرانی چون فرخی و منوچهری در توصیف چگونگی و چون و چندی آتش آن داد سخن داده‌اند که به برخی از اشعار آن‌ها در این زمینه اشاره می‌شود:

سده در اشعار منوچهری:

جشن سده امیرا! رسم کبار باشد
این آیین کیومرث و اسفندیار باشد
(منوچهری، ۱۳۷۰: ۲۱)

آمد ای سید احرار! شب جشن سده
شب جشن سده را حرمت، بسیار بود
(همان، ۲۱۹)

می خور ای سید احرار! شب جشن سده
باده خوردن بلی از عادت احرار بود
(همان، ۲۲۰)

در مدح سلطان مسعود غزنوی

این جشن فرخ شده را چون طلا بگان
از پیش خویشتن بفرستاد کامکار
(همان، ۳۱)

سده در اشعار فرخی:

جشن سده و سال نو و ماه محرم
فرخنده کناد ایزد بر خسرو عالم
شاهنشاه گیتی ملک عالم
کاین نام بدین معنی او راست مسلم
مسعود
با شادادی چون زیر همی سازد با بم
جشن سده در مجلس آراسته تو
آتش به تختش بردی از خانه چارم
جشن سده را رسم نگهداشتی ای شاه
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۲۴۳)

ای روشنی بر آسمان زین آتش جشن سده ست
کز سرای خواجه با گردون همی همسر شود کاین نام
(همان، ۴۸)

۱۳-۳- بهمنجنه (بهمنگان)

ایرانیان باستان اهمیت ویژه‌ای به گاه‌شماری و گردش ایام می‌دادند و با یکی شدن نام روز و ماه جشن‌هایی را برگزار می‌کردند. گاه‌شماری‌های گوناگونی در ایران باستان رواج داشت. گاه‌شماری اوستایی نو یکی از آنها بود که در این گاه‌شماری هر سال دوازده ماه و هر ماه ۳۰ روز دارد. در این گاه‌شماری هر ۳۰ روز دارای ۳۰ نام مشخص و ویژه بودند و دوازده ماه اوستایی دارای دوازده نام از امشاسپندان و ایزدان است. نام‌های دوازده‌گانه ماه‌ها با دوازده نام از اسامی روزها، مشترک هستند بنابراین هر گاه نام روز و ماه یکی می‌شد، آن روز را جشن می‌گرفتند و آن‌ها را جشن‌های ماهانه می‌نامیدند. از این‌رو ایرانیان باستان یازدهمین ماه از سال و دومین روز هر ماه را «وهومن» نام‌گذاری نموده و روز دوم بهمن ماه را «بهمنگان» یا «بهمنجنه» نامیده و جشن می‌گرفته‌اند.

۱-۱۳-۳- برگزاری جشن بهمنگان

این روز آداب مخصوص به خودش را دارد. ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» در مورد جشن بهمنجنه چنین می‌نویسد: «بهمنجنه، بهمن روز است از بهمن ماه و بدین روز بهمن سپید به شیر پاک خوردند و گویند حفظ افزایش مردم را و فراموشی برود و اما به خراسان مهمانی کنند و بر دیگی که اندرو از هر دانه خوردنی، خوردند و گوشت هر جانوری و حیوانی که حلال‌اند و آنچه اندر آن وقت اندر آن بقعه یافته شود از تره و نبات» (بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۰۰). در روز جشن بهمنگان طعام می‌پختند و بهمن سرخ و بهمن زرد بر کاسه‌ها می‌افشانند و تره و ماست و ماهی می‌خوردند. زرتشتیان در این جشن از کشتار حیوانات سودمند و خوردن گوشت آنان خودداری می‌کردند و برخی زرتشتیان، تمام روزهای بهمن از خوردن و کشتار خودداری می‌کردند. در این روز همسایه‌ها هر کدام دانگ خود را برای پختن آش بهمنگان به خانه‌ای که آش در آن پخته می‌شده می‌دادند و همه در پخت این آش سهم داشتند که به آن «آش هفت دانه» می‌گفتند (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

وجود بیتی از شاهنامه در مورد بهمن، به‌طور غیرمستقیم رسومی چون آتش‌افروزی و سور دادن در جشن بهمن را اثبات می‌کند:

یکی آتشی دید رخشان ز دور
بر آن سان که بهمن کند شاه سور
(فردوسی، ۱۳۷۶: ۹۵۶)

از اشعاری که منوچهری درباره بهمن و بهمنجه سروده - با توجه به این که اغلب شعرای درباری و دست‌نشانده حکام بوده‌اند - چنین بر می‌آید که جشن بهمنگان در این دوره نیز مرسوم بوده و در ایام خاص خود برگزار می‌گردیده است:

در مدح منوچهر بن قابوس

به جوش اندرون دیگ بهمنجنه
به گوش اندرون بهمن و قیصران
در آمد ترا روز بهمنجنه
به فیروزی این روز را بگذران
(منوچهری، ۱۳۷۰: ۶۸)

در مدح شهریار

رسم بهمن گیر و از نو تازه کن بهمنجنه
ای درخت ملک! بارت عز و بیداری تنه
اورمزد و بهمن و بهمنجنه فرخ بود
فرخت باد اورمزد و بهمن و بهمنجنه
(همان، ۸۶)

و نیز فرخی سیستانی در یادکرد این جشن و ارتباط آن با ماه بهمن می‌سراید:

فرخش باد و خداوندش فرخنده کناد
عید فرخنده و بهمنجنه و بهمن ماه
(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۴۸)

با بررسی صورت گرفته در دیوان چهار شاعر بزرگ سبک خراسانی یادکرد آیین و رسوم اعیاد ملی ایران، بیشتر پیرامون دربار و پادشاهان است و کمتر و یا به طور قطع می‌توان گفت که هیچ‌یک از جشن‌هایی که میان توده مردم برگزار می‌گردیده در دیوان این شاعران منعکس نشده است؛ اما از آنجا که دربار و رفتار درباریان برگرفته از هویت و فرهنگ رایج در هر دوره‌ای است می‌توان این‌گونه برداشت نمود که این اعیاد با شدت و ضعف در ادوار مختلف در میان مردم مرسوم بوده و ایرانیان به برپایی آنها اهتمام ویژه‌ای داشتند به طوری که برخی از این آیین‌ها هنوز در میان ایرانیان اعم از مسلمان و زردشتی گرامی داشته و برگزار می‌گردد.

بازتاب فرهنگ اعیاد و جشن‌ها در شعر شاعران

شاعران	نوروز	مهرگان	سده	سایر جشن‌های ایرانی	جمع
رودکی	۳	۱	-	۱	۵
فردوسی	۲۶	۷	۱۷	۳۰	۸۰
فرخی	۳۳	۱۶	۱۱	۳	۶۳
منوچهری	۲۵	۱۰	۴	۱۰	۴۹

نتیجه‌گیری

ادبیات برخاسته از آداب و رسوم به ویژه جشن‌ها در هر جامعه‌ای است که با شیوه‌هایی خاص برگزار می‌گردد و بخش اعظمی از فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد. ایرانیان جزء معدود ملت‌هایی هستند که در طول ادوار تاریخ، نه تنها جشن‌ها و مراسم آیینی خود را از یاد نبرده و آنها را حفظ کرده‌اند؛ بلکه این مراسم را بهتر از گذشته برپا داشته‌اند و با در نظر گرفتن این مهم که امروزه تنها عید نوروز همچنان با آیین خاص خود برگزار می‌شود و بسیاری از جشن‌های ملی ایران که از نمادهای فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌روند به دست فراموشی سپرده شده یا در بین مردم کم‌رنگ‌تر گشته‌اند؛ این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی در پی تبیین شأن و جایگاه فرهنگی اعیاد ملی همچون نوروز، مهرگان، سده و بهمنجنه در دیوان چهار تن از شاعران بزرگ این مرز و بوم به نام‌های رودکی، فرخی، منوچهری و فردوسی و بازتاب کمیّت به کار بردن هر عید در دیوان هر شاعر بود و با این نگرش که ایرانیان از گذشته‌های دور همواره بر اعیاد و جشن‌های ملی توجه وافر داشته و در برپایی آن اهتمام ویژه‌ای داشتند، پرداخت. دستاورد این بررسی بر این نکته صحت گذاشت که اگرچه زمینه پژوهش بیشتر این شعرها در ستایش حکمرانان و بزرگان دربارها بود؛ اما آنچه مشهود بود بازتاب این جشن‌ها و اعیاد در اشعار شاعران در دوره‌ای که به دوران اعتلای فرهنگی ایران و بازگشت به خویشتن مشهور گردیده است؛ یعنی از قرن سوم تا اوایل قرن پنجم، که توجه به فرهنگ خاص ایرانی و نشانه‌های آن از ویژگی‌های بارز این دوران بشمار می‌رفته است چرا که سلاطین ترک نژاد که فاقد عقبه تاریخی و فرهنگی بودند با اظهار تمایل به اعیاد و آداب و رسوم ملی ایرانیان سعی در اعتبار بخشی به دربار و حکومت خود داشتند از این رو به حفظ و اشاعه این آداب اهتمام ویژه‌ای داشتند از این رو می‌توان با مطالعه آثار شاعران با اندیشه حاکمان درباری و روحیه مردم هم‌عصر آن آشنا شد و به اهمیت و ارزش آنها در مقوله نظم فرهنگی و کارکرد

مفیدی که در جهت نزدیکی اقوام ایرانی و همبستگی ملی ایجاد می‌نموده‌اند، پی برد. جشن نوروز به خاطر ریشه دینی که در آیین ما دارد و جشن مهرگان به خاطر تعلق آن به ایزدمهر از اهمیت خاصی برخوردارند و در مورد جشن سده باید اذعان داشت که هم اکنون نیز در برخی از نقاط ایران، مراسمی نه دقیقاً با همان کیفیت بلکه مشابه آن، برگزار می‌شود. آماری که از بررسی دیوان چهار شاعر انتخاب شده به دست آمد شاهد این مدعا است که توجه به جشن نوروز در درجه اول و جشن مهرگان درجه دوم و جشن سده از درجه سوم اهمیت و اعتبار برخوردار است حضور این سه جشن در دیوان شاعران پررنگ‌تر و چشم‌گیرتر است. احیاء این مراسم آیینی که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران دارد، احیاء روح جاودان و پویای یک ملت است. پس باید با رونق مجدد این مراسم، همچون گذشته به پویایی فرهنگ ایرانی کمک کرده و نشان داد که ایرانیان قبل از ظهور اسلام نیز برای خود دارای مراسمی بوده‌اند که خاص ایرانی و ایران است.

منابع:

- ۱- امیر معزی (۱۳۱۸)، دیوان امیر معزی، با مقدمه و حواشی عباس اقبال، تهران: اسلامیه.
- ۲- بیانی، شیرین (۱۳۸۳)، «جشن مهرگان یکی از دو عید بزرگ ایران باستان»، فصلنامه هستی، شماره ۱۹ و ۲۰: ۱۰۲-۸۵.
- ۳- بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷)، آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
- ۴- پیرنیا، حسن (۱۳۹۱)، تاریخ ایران باستان (تاریخ مفصل ایران قدیم)، جلد ۱، تهران، انتشارات نگاه.
- ۵- حکیم‌آذر، محمد (۱۳۹۰)، «اسلوب معادله در غزل سعدی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۳، شماره ۹: ۱۸۴-۱۶۳.
- ۶- جاحظ، ابوعثمان عمروبن بحر (۱۳۳۲)، التاج، یافته استاد احمد زکی پاشا، ترجمه حبیب‌الله نوبخت، تهران: تابان.
- ۷- رجبی، مجیدرضا (۱۵ مهر ۱۳۸۷)، پیرامون جشن مهرگان، <https://www.Namayeh.ir>.
- ۸- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۵)، تاریخ نوروز و گاه شمار ایران، تهران: اقبال.
- ۹- رضی، هاشم (۱۳۹۲)، گاه شماری و جشن‌های کهن در ایران امروز، چاپ چهارم، تهران: بهجت.
- ۱۰- رودکی سمرقندی (۱۳۷۶)، دیوان رودکی سمرقندی، بر اساس نسخه سعید نفیسی و ی. براگینسکی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۱- ریاحی، محمدمین (۱۳۷۹)، چهل گفتار، تهران: سخن.
- ۱۲- درودگریان، فرهاد (۱۳۸۳)، «نوروز، سده، بهمنجه و اساطیر باستانی در شعر منوچهری»، پیک نور، شماره ۷، ۱۱۹-۱۰۸.
- ۱۳- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۷ آبان ۱۴۰۰)، جشن‌هایی برای ایرانی بودن، <https://www.mehrnews.com/news/5346424>.
- ۱۴- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، تهران: فردوس.
- ۱۵- فرخی سیستانی (۱۳۳۵)، دیوان، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: اقبال.
- ۱۶- فردوسی (۱۳۷۶)، شاهنامه، چاپ دوم، تهران: قطره.
- ۱۷- کاظمی فرامرزی، نعمت‌اله (۱۹ مهر ۱۳۷۷)، مهرگان جشن کشاورزان، <https://www.Namayeh.ir>.
- ۱۸- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۵)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران: صدای معاصر.
- ۱۹- کریمیان‌سردشتی، نادر (۱۳۷۹)، «گفتارها و سرودهایی در آیین نوروزی»، کتاب ماه هنر، شماره ۳۰ و ۲۹: ۷۰-۶۹.
- ۲۰- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۲)، نامه باستان، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۱- مرادی‌غیاث‌آبادی، رضا (۱۵ مهر ۱۳۸۳)، شکوه میترا جشن مهرگان، <https://www.Namayeh.ir>.
- ۲۲- منوچهری دامغانی (۱۳۷۰)، دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.
- ۲۳- ناصرخسرو قبادیانی (۱۳۵۷)، دیوان اشعار ناصرخسرو قبادیانی، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۴- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۲۵- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹)، فرخی سیستانی بحثی در شرح احوال و روزگار و شعر او، چاپ سوم، تهران: علمی.

Cultural reflection of national celebrations in the poems of poets of Khorasani style (Emphasizing the poems of Roudaki, Farrokhi, Manouchehri and Ferdowsi)

Ali Al-Ismaili Daryasari, Siavash Moradi, Lida Namdar

¹ Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Khodabandeh Branch, Islamic Azad University, Khodabandeh, Iran.

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Email: siavash.moradi@iauh.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Khodabande Branch, Islamic Azad University, Khodabande, Iran.

Abstract

The relationship between the poet and customs in every society constitutes a large part of literature. Rituals and customs of every country are considered as the cultural elements of the society, and the diversity and multiplicity of these rituals is a testimony to the cultural richness of a society, and in the meantime, the various celebrations of Iran's rich culture, along with religious holidays as a part of culture, have received special attention in written works. They have pointed out that in each period, special rituals and ceremonies were held. Today, some of these celebrations and ceremonies, which are considered as symbols of Iranian culture, have been forgotten or have become less common among the people; But despite its long history, some of these celebrations have survived and the values behind them have been passed down from generation to generation. The present study seeks to explain the dignity and cultural status of these festivals among Iranians by emphasizing the poems of Rudaki, Farrokhi, Manouchehri and Ferdowsi and reflecting the quantity of each Eid in the divan of each poet, although most of these poems are in praise of rulers and courtiers; However, from the reflection of these celebrations and festivals in Persian poetry, one can get acquainted with the thought of court rulers and the spirit of its people and realize their importance and value in terms of cultural order and useful function that they have created for the proximity of Iranian tribes and national solidarity.

Keywords: Culture, Nowruz, Mehregan, Sedeh, Bahmanjeh